



از انفجار سیاهچاله بترسید، شاید بعدی به زمین برسد

تهدیدهای کیهانی مانند انفجار سیاهچاله مرکزی راهشیری یادآور این است که انقراض بشریت کار سختی نیست؛ اما هیچ چیز به اندازه خود انسان نمی‌تواند این امر را تسهیل کند.

تهدیدهای کیهانی مانند انفجار سیاهچاله مرکزی راهشیری یادآور این است که انقراض بشریت کار سختی نیست؛ اما هیچ چیز به اندازه خود انسان نمی‌تواند این امر را تسهیل کند.

مجید جویا: پژوهش جدید اخترشناسان نشان داده که 2 میلیون سال پیش، موجود دوپایی که می‌شود آن را انسان‌نما نامید، به بالای سرش نگاه کرد و دید نوری درخشان در آسمان ظاهر شده که تقریباً هم اندازه ماه است. آن نور حاصل یک انفجار عظیم در سیاه چاله‌ای واقع در مرکز کهکشان ما بود.

ما تنها می‌توانیم حدس بزنیم که آن موجودات ما با دیدن این نورعجیب، (صدها هزار سال پیش از آغاز ثبت تاریخ توسط انسان) به چه چیزهایی فکر کردند. ما حتی مطمئن نیستیم که آیا در آن زمان اجداد انسان روی زمین زندگی می‌کردند یا نه، اما ما که خود را انسان می‌دانیم، باید از دیدن چنین صحنه‌ای چه نتیجه‌ای بگیریم؟

ما شاید آن را به عنوان شاهد دیگری از تزلزل کل جهان هستی ببینیم، چگونه این جهان که آینده از خطرهای و تهدیدها است (و ما هنوز حتی از وجود برخی از آنها خبر نداریم) می‌تواند در ثانیه‌ای ما را نابود کند. سیاره ما را در نظر بگیرید که به دور یک ستاره در نزدیکی سیاه چاله کهکشان راه شیری می‌چرخد. این سیاره ممکن بود در حمامی از تابش قرار گیرد، و فرصت پیدایش موجود هوشمندی به اسم انسان را برای همیشه نابود کند.

پرتوهای کیهانی پرنانرژی که از ابرنواخترها ساطع می‌شوند، یکی از محدود سناریوهایی است که می‌تواند حیات ما را در زمین به مخاطره بیندازد (هرچند در این بین شاید باکتری‌ها زنده بمانند). شاید احتمال وقوع آن خیلی دور از ذهن باشد، یک بار دیگر باید بگوییم که تمدن‌هایی در جهان خارج از سیاره ما ممکن است در اثر همین وقایع از بین رفته باشند.

اما چنین تهدیدهایی چه اهمیتی در زندگی روزمره ما دارند؟ واقعیت این است که ما نمی‌توانیم کار زیادی را برای رفع خطر فوران سیاهچاله‌ها انجام دهیم. اما فکر کنید که اگر زمین خالی از حیات بود، هیچ یک از چیزهایی که ما زمین را با آن می‌شناسیم در آن وجود نداشت. در حقیقت زمین به چیزی تبدیل می‌شد که حتی تصور آن را هم نمی‌توانستیم بکنیم، یعنی تبدیل به یک سنگ خاکستری جهنمی.

این سناریو واقعا دور از ذهن است و لازم نیست از ترس آن بی‌خوابی بکشید. می‌توانید دوباره به خواب بروید و خواب هفت پادشاه ببینید! تنها حسن این سناریو این است که نشان می‌دهد چگونه به طرفه‌العینی زیست‌بوم و جغرافیای سیاره ما در هم پیچیده می‌شود و این درهم پیچیده شدن، همان سرانجامی است که ما انسان‌ها با تعرض مداوم خود به طبیعت، زمان رسیدن آن را جلو می‌اندازیم.

به رغم بلایی که داریم بر سر دیگر ساکنین زمین می‌آوریم، این امر در نهایت تهدیدی برای زمین یا بیوسفر آن محسوب نخواهد شد. این تهدیدی برای خود ما است. اگر انسان‌ها را از روی زمین برداریم، مدت زیادی طول نمی‌کشد که این سیاره همانند قبل به حیاتش ادامه دهد.

این تهدیدها برخلاف تهدیدهای کیهانی قابل مهار است. ما می‌توانیم تلاش کنیم تا بی‌نظمی‌هایی را که قبلاً ایجاد کرده‌ایم رفع کنیم؛ یا بر روی سیارات دیگر مستقر شویم تا بقای گونه خود را تضمین کنیم. در مواجهه با یک جهان بی رحم و یک سیاره کوچک و بی‌اهمیت، بقای حیات بشر تنها برای خود انسان‌ها مایه نگرانی خواهد بود. بر خلاف انسان‌نماهای 2,000,000 سال پیش، می‌توانیم کارهای بیشتری غیر از اینکه فقط با دستپاچگی تماشاگر باشیم، انجام دهیم.